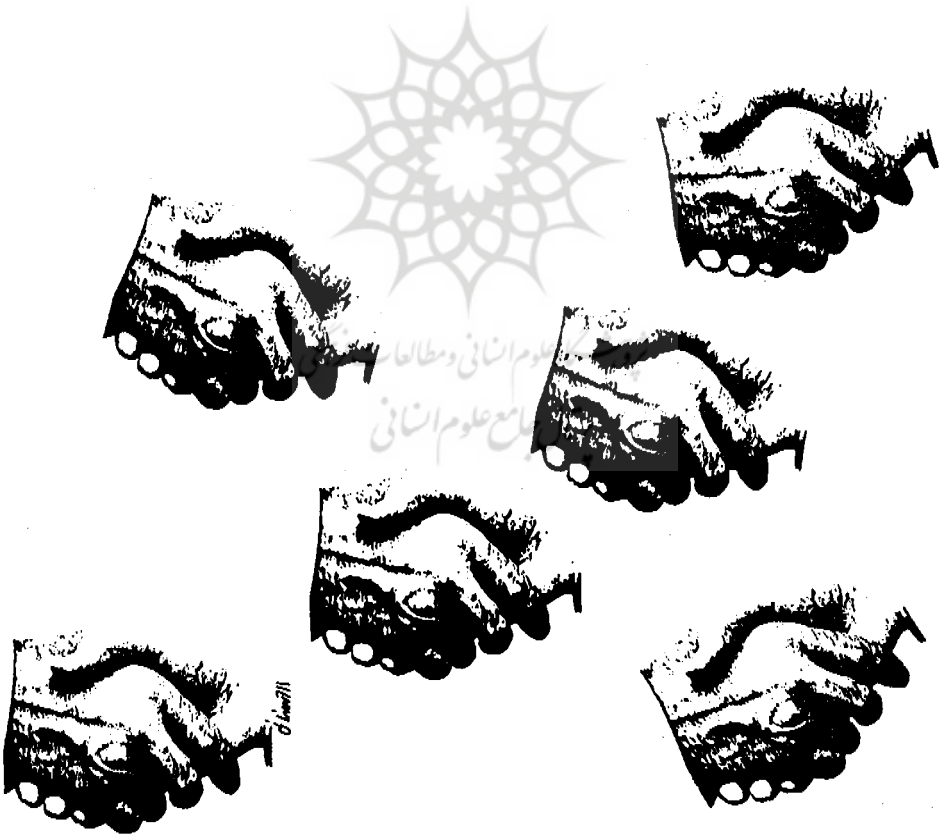


زمینه های مشارکت مردمی

عوامل همکاری و اعتماد بین مردم و حکومت از دیدگاه نهج البلاغه

زین العابدین قربانی



رهبران جامعه سخن می گوید به این حقیقت
تصریح می کند :

کسی که خود را پیشوای مردم فراردهد، باید
پیش از آن که به تعلیم دیگری بپردازد، به تعلیم
خویش اقدام نماید، و پیش از آن که مردم را
با زبان ادب کند با کردارش ادب نماید. کسی که
خویش را می آموزد و تربیت می کند به احترام
سزاوارتر است از کسی که معلم و مربی دیگران
است. ۱۸

نیز هنگامی که می شود " عثمان بن حنیف "
فرماندار او در بصره به مهمانی جوانی از مردم
آن سامان می رود که انواع غذاها و خورشیدار
سفره اش موجود بوده، توانگران در آن جا حضور
داشتند، ولی از فقرا و مستمندان احدی به آن
مهمانی دعوت نشده بود، نامه تند و عتاب -
آمیزی به او می نویسد و از این کار که موجب
اختلاف طبقاتی و برانگیختن خشم توده مردم
علیه کارگردانان امورات، شدیداً " اورانگوش
می کند. آن گاه وظیفه رهبران جامعه را در
پیشقدم بودن در کارهای نیک و دوری جستن
از زشتیها این طور بیان می کند :

آگاه باش هریروی کننده را پیشوائی است که
از او پیروی کرده، به نور دانش او روشنی می -
جوید. بدان که پیشوای شما از دنیای خود به
دوجامه کهنه از خوردنیهایش به دو قرص نان
اکتفا کرده است. گرچه شما به چنین رفتاری
توانا نیستید ولی مرا با پرهیزکاری و کوشش در
راه خدا و پاکدامنی و درستکاری یاری کنید. به
خدا قسم از دنیای شما تلاپی نیندوخته و از
غنیمتهای آن مال فراوانی ذخیره نکرده و با
کهنه جامه ای که در بردارم جامه کهنه دیگری
آماده ننموده ام. ۱۹

درمبحث پیشین برخی از عوامل همکاری و
اعتماد میان مردم و حکومت از دیدگاه
نهج البلاغه مطرح گردید .
اینک ادامه مقاله را از نظر گرامی تان می گذرانیم .

۳- صداقت و بیشگامی در عمل

تازمانی که مردم از کارگردانان امور صداقت
و یکرنگی نبینند، نمی توانند به آنها اعتماد
کنند و مهمترین چیزی که می تواند نشان
دهنده صداقت آنها باشد، این است که پیش از
همه خود به گفتارشان عمل کنند، زیرا اثری که
رفتار و عمل در افکار و روح آدمی دارد غیر از
تأثیر گفتار است. تأثیر گفتار آنی و زود گذر
است ولی تأثیر عمل ریشه دار و عمیق است و لذا
از قدیم گفته اند : " دوصد گفته چون نیم کردار
نیست . "

روی همین اصل است که آئین مقدس اسلام
به پیروان خود دستور می دهد : پیش از آن که
مردم را با گفتار دعوت به حق کنند، با عمل
اقدام به این کار نمایند .

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید :
مردم را با غیر زبانتان به سوی حق و فضیلت
دعوت کنید تا از شما پرهیزکاری و کوشش در
راه خدا و نماز و کارهای نیک مشاهده کنند ،
بدیهی است که این روش گرایش دهنده تراست. ۱۶
شاید رمز این که اسلام ، گفتار بدون عمل را
گناه بزرگ می داند، ۱۷ همین تکذیب عملی و
موجب سلب اعتماد باشد .

قطعاً " برای همین اهمیت است که علی بن
ابی طالب علیه السلام آن جا که درباره وظائف

۴- حسن تدبیر و نیکو اداره کردن امور

۵- رنج خود و راحت دیگران طلبیدن

در حکومت اسلامی پذیرش پست و مقام برای بهره گیری بیشتر از مظاهر زندگی نیست، بلکه برای خدمت به دیگران کردن و رنج خود و راحت دیگران طلبیدن است.

علی علیه السلام هنگامی که عاصم بن زیاد را از ترک دنیا برحذر می داشت مورد اعتراض قرار گرفت که پس شما چرا برخود این چنین سخت می گیرید؟ فرمود:

خداوند بر پیشوایان حق واجب شمرده که بر خود سخت گیرند و همچون طبقه ضعیف مردم باشند، تا نداری فقیر او را ناراحت نکند که سر از فرمان خدا برتابد. ۲۲

درنامه ای که به فرماندار بصره "عثمان بن حنیف" می نویسد در این باره چنین تاءکید می کند:

به خدا سوگند من از دنیای شما طلا و نقره‌ای نیندوخته‌ام و از غنائم و ثروتهای آن مالی ذخیره نکرده‌ام و برای این لباس کهنه‌ام بدلی مهیا نساخته‌ام و از زمین آن حتی یک وجب در اختیار نگرفته‌ام و از این دنیا بیش از خوراک مختصر و ناچیزی برنگرفته‌ام. این دنیا در چشم من بی ارزشتر و خوارتر از دانه تلخی است که بر شاخه درخت بلوطی بریود...

اگر می خواستم می توانستم از غسل مصفا و مغز این گندم و بافته‌های این ابریشم برای خود خوراک و لباس تهیه کنم اما هیبت که هسوی و هوس بر من غلبه کند و حرص و طمع مرا وادار کند تا طعامهای لذیذ را برگزینم، درحالی که ممکن است در سرزمین "حجاز" یا "یمامه" کسی باشد که حتی امید به دست آوردن یک قرص نان را

از شرایط پذیرش مسؤلیت در حکومت اسلامی این است که شخص حاکم به نحو احسن بر تدبیر امور قدرت داشته، بتواند به شکل هرچه بهتری آن را انجام دهد و این نیکو انجام دادن کارها تا آن جا مهم است که نقل می کنند: هنگامی که یکی از یاران پیغمبر اسلام فوت کرد و او را دفن کردند، رسول اکرم با دستهای مبارک خاک روی قبر را هموار کرد و فرمود: گرچه می دانم که این قبر بزودی کهنه و خراب می شود ولی خداوند دوست دارد بنده ای را که کاری را انجام می دهد، محکم و صحیح انجام دهد. ۲۰

لذا چنان که در گذشته دیدیم، پیامبر اکرم ضمن بیان مشخصات حاکم اسلامی تاءکید می کند که باید قدرت بر نیکو اداره کردن امور و حسن سرپرستی را داشته باشد.

علی علیه السلام آن جا که از شایسته‌ترین فرد جهت سرپرستی امت اسلامی سخن می گوید، اصل تواناترین و داناترین را که حاکی از بهتر اداره کردن امت اسلامی است معیار قرار می دهد:

ای مردم سزاوارترین کس به خلافت، قوی ترین مردم نسبت به آن است و داناترین آنها به فرمانهای خدا، پس اگر شخص آشوبگری به فتنه انگیزی برخیزد از او خواسته می شود که به حق بازگردد و اگر امتناع ورزد باید با او به نبرد پرداخت. ۲۱

بنابراین وقتی که مردم از مسؤولین امور حسن تدبیر و نیکو اداره کردن مملکت و حسن سیاست را ببینند طبعاً نسبت به آنها اعتماد



نداشته باشد و هرگز شکمی سیر نخورده باشد .
آیا من یا شکمی سیر بخوام در حالی که در
اطرافم شکمهای گرسنه و جگرهای سوزانی باشند؟
و آیا آنچنان باشم که آن شاعر گفته است : " این
درد تو را بس که شب با شکم سیر بخوابی ، حالی
که در اطراف تو شکمهایی گرسنه و بیهوش
جسیده باشند . "

آیا به همین قناعت کنم که گفته شود : من
امیرم ، منام ، اما با آنان در سختیهای روزگار
شرکت نکنم و پیشوا و مقتدایشان در تلخیهای
زندگی نباشم؟! من آفریده نشده ام که خوردن
خوراکیهای پاکیزه مرا به خود مشغول دارد ،
همچون حیوان پرواری که تمام همش علف
است و یا همچون حیوان رها شده ای که کارش
چریدن و خوردن و پرکردن شکم می باشد و از
سروشستی که در انتظار اوست بی خبر است . من
آفریده نشده ام که بیهوده دنیا را بگذرانم ، راه
گمراهی پیش گیرم و لاابالیگری اختیار کنم ،
هرگز . ۲۳

علی هذا وقتی که مردم از سوء ولین جامعه
تا این درجه ایثار و گذشت و بی توجهی بسه
مظاهر زندگی ببینند و همه تلاشهای آنان را در
راه رفاه و بهتر زیستن خودشان مشاهده کنند ،
شک نیست که به آنها اعتماد خواهند کرد و
از هیچ گونه همکاری با آنان دریغ نخواهند
داشت .

۶- برابری و عدم تبعیض

بزرگترین عاملی که شیرازه جامعه را از هم
می گسلد و مردم را نسبت به دولتمردان بدبین
و خشمگین می سازد ، روابط رابر ضوابط حاکم
کردن و در مقام اجرای قانون ، عدالت را به طور

گسترده رعایت نکردن و در میان افراد تبعیض
قائل شدن است .

علی علیه السلام در عهدنامه تاریخی خود
که برای مالک اشتر استاندار مصر نوشته است در
این باره چنین تاءکید می کند :

کاری که باید بیش از هرکاری دوست داشته
باشی ، میانه روی در حق است و همگانی کردن آن
در برابری و دادگری که بیشتر موجب خوشنودی
رعیت می شود .

در هرکاری صلاح همگان را رعایت کن نه خواص و
حاشیه نشینان را ، زیرا خشم عمومی رضا و
خوشنودی چندتن اطراف خاص را با مال می-
سازد و خشم چندتن در برابر خوشنودی عمومی
اهمیت ندارد . ۲۴

برای مراجعان خود وقتی مقرر کن که به نیاز
آنها شخصاً رسیدگی کنی ، مجلس عمومی و
همگانی برای آنها تشکیل ده و درهای آن را به
روی هیچ کس نبند و به خاطر خداوندی که تو را
آفریده توابع کن و لشکریان و محافظان
و یاسانان را از این مجلس دور ساز ، تا هر کس با
صراحت و بدون ترس و لکت سخنان خود را با تو
بگوید ، زیرا من بارها از رسول خدا این سخن را
شنیدم : " ملتی که حق ضعیفان را از زورمندان
با صراحت نگیرد ، هرگز پاک و پاکیزه نمی شود و
روی سعادت نمی بیند " .

کس سزاوارتر برای بدبینی ات می باشد که مورد احسانت قرار نگرفته و بد آزمایش شده است .

درمورد دیگری از این فرمان درباب توجه خاص به مردم چنین ناه کیدمی کند :

محبت و مهربانی تو نسبت به آنان قلبهایشان را به تو متوجه می سازد . برترین چیزی که موجب روشنائی چشم زمامداران می شود ، برقراری عدالت درهمه بلاد و آشکار شدن علاقه مردم نسبت به آنهاست . اما مودت و محبت آنان جز با یاکي دلپایشان نسبت به والیان آشکار نمی گردد و خیر خواهی آنها در صورتی مفید است که با میل خود گرداگرد زمامداران را بگیرند و حکومت آنها برایشان سنگینی نکند و طولانی شدن مدت زمامداریشان برای اینان ناگوار نباشد ، پس آرزوهایشان را برآوردی در بی آنها را به نیکویی یاد کن و کارهای مهمی که انجام داده اند برشمار .

درخطبه ای که درصفین درمورد حقوق والی بر ملت و حقوق ملت بر والی ایراد فرموده در باره به حساب آوردن مردم چنین می فرماید :

آن گونه که با زمامداران ستمگر سخن می گوئید با من سخن مگوئید ، و آن چنان که درپیشگاه حکام خشمگین و جبار خود را جمع و جور می کنید ، درحضور من نباشید و بطور تصنعی و مناقفانه با من رفتار ننمائید و هرگز گمان مبرید در مورد حق که به من پیشنهاد کرده اید کندی و رزم (یا ناراحت شوم) و نه این که خیال کنید من در پی بزرگ ساختن خویشتم ، زیرا کسی که شتیدن حق و یا عرضه داشتن عدالت به او برایش مشکل باشد عمل به آن برای وی مشکلتر است .

علی علیه السلام می فرماید :

بنابراین در جامعه ای که همه مردم از مزایا و حقوق حکومت اسلامی بطور یکسان و درواز تبعیض بهره مند می شوند، شک نیست که نسبت به دولت مردان و مسوولین امور خوشبین و از آنها راضی خواهند بود و درهمه کارها با آنان همکاری خواهند داشت .

۷- شرکت داشتن مردم

در کارهای اجتماعی و سیاسی

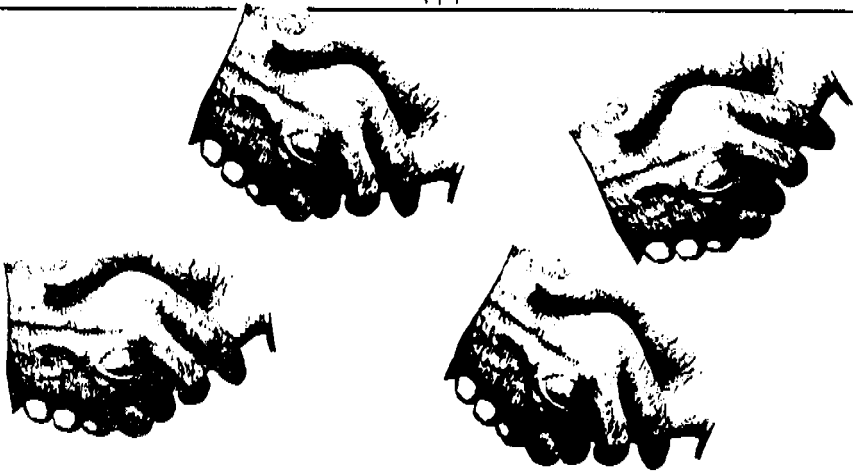
درست است که معیار در حکومت اسلامی تبعیت از حق است ولی خواستهای توده مردم که از فطرت حق جوئی بهره مندند نه تنها نادیده گرفته نشده ، بلکه به آن ناه کید نیز شده است .

بدیبهی است حکومتی که مردم را به حساب نیاورد و نظریات شخصی را بر آنان تحمیل کند و درصدد رفع نیازمندیهای آنان و احسان بر آنان نباشد ، هیچ گاه چنین مردمی به چنان حکومتی اعتماد نخواهند داشت و با او همکاری نخواهند نمود .

علی علیه السلام در فرمان تاریخی اش به مالک اشتر در این باره چنین دستور می دهد :

بدان که هیچ وسیله ای برای جلب اعتماد والی به وفاداری رعیت ، بهتر از احسان به آنها و تخفیف هزینه های آنان ، و عدم احبارشان به کاری که وظیفه ندارند ، نیست .

در این راه آن قدر بکوش تا به وفاداری آنان خوشبین شوی که این خوشبینی بارنج فراوانی را از دوشت بر می دارد . و سزاوارترین فردی که شایستگی خوشبینی تو را دارد کسی است که مورد عنایانت قرار گرفته و نیکو آزموده ای و آن



وازاو اطاعت کنند .

عرض کردم :

حق مردم برامام چیست؟

فرمود :

هنگام تقسیم بیت المال و اجرای حکم الهی

عدالت و برابری را رعایت نماید . ۲۷

علی علیه السلام فرمود :

نسبت به فرمانروایان و راهنمایان غش و

خیانت نکنید و نسبت به رهبرانتان بی معرفت

نباشید و ریسمان وحدتتان را پاره نکنید که در

آن صورت به نزاع می افتید و آسایشتان از بین

می رود . و براین اساس باید کارهایتان را استوار

سازید و این راه را ادامه دهید . ۲۸

باتوجه به مطالب گذشته این حقیقت برای مسا

روشن گردید که در صورتی که حکومت اسلامی

تکالیف الهی خود را انجام دهد و نسبت به

مردم پدری مهربان باشد ، شک نیست که توده

مردم نیز نسبت به او اعتماد خواهند کرد و با

او همکاری لازم را خواهند داشت و ما نمونه چنین

حکومتی را در صدر اسلام دیدیم و اینک نمونه

کامل و روشن آن را در جمهوری اسلامی بخوبی

می یابیم .

بقیه در صفحه ۲۷

ای مردم ، من که زمامدار شمایم به گردن شما

حقی دارم و شما نیز به گردن من حقی ، اما حق

شما بر من این است که خیر خواه شما باشم و با

افزایش درآمد ملی ، مواجب و درآمد شمارا

زیادتر کنم و برای آن که نادان و بی ادب

نمانید ، سطح آموزش و پرورشتان را بالا ببرم .

درمقابل ، حقی که من بر شما دارم این

است : بیعتی که با من کرده اید به آن وفادار

باشید ، در حضور و غیاب ، خیر خواهم باشید ،

هرگاه که شما را برای کاری دعوت می کنم پاسخ

مثبت دهید و از فرمانم سرپیچی ننمائید . ۲۵

پیامبر اسلام فرمود :

دین عبارت از خیرخواهی است .

عرض کردند :

برای چه کسی یا رسول الله؟

فرمود :

برای خدا و پیامبر و کتابش و برای رهبران

جامعه و عموم مسلمین . ۲۶

ابوحزه می گوید از امام باقر علیه السلام

پرسیدم :

حق امام بر مردم چیست؟

فرمود :

حشش بر مردم این است که حرفش را بشنوند

۳ چه کسی می تواند درس حاضر کردن را به من بیاموزد؟



دکتر زهرا بازرگان

از وظایف فوق تدابیر و روشهای خاصی را می - طلبد . کمک اولیاء به کودکان این است که آنان را در شناخت و استفاده از راههایی که به انجام موفقیت آمیز این وظایف آموزشی می انجامد راهنمایی کنند .

در راهنمایی دانش آموزان باید به این نکته توجه داشت که ضمن این که پیشنهاد های اولیاء می - تواند برای اکثر کودکان بخصوص آنان که در

کودکان و نوجوانان در ارتباط با تکالیف درسی خود مسؤولیت های مختلفی به عهده دارند . گاهی از آنان می خواهند یک سلسله تمرینات خاصی را انجام دهند و بیایا درس بخصوصی را مرور کنند . زمانی باید گزارش تهیه کنند ، مطالبی برای سخنرانی آماده کنند و مسامحانه برای امتحان درسها را دوره کنند . انجام هر یک

برای مرور فعالانه یک مطلب درسی باید با آن
برخورد جدیدی داشت و فعالیت تازه ای روی
آن انجام داد.

به هنگام درس حاضر کردن، چه علائمی معلوم
می دارد که شاگرد درس را واقعا " یاد گرفته
است؟

دریادآوری مطالب درس گذشته هیچ چیز
بازرشته از تمرینات درسی گذشته و ورقه های
امتحانی نیست.

برخی از پیشنهادهایی که اولیاء می توانند برای
کمک به کودک و نوجوان در انجام موفقیت آمیز
تکالیف مختلف ارائه دهند به شرح زیر است.

۱- مرور یک مطلب درسی

مرور مطالب درسی برخلاف آنچه اغلب
کودکان می پندارند عبارت از این نیست که با
نگاهی گذرا صفحات کتاب را نگاه کنند، بلکه
فعالیتی است دقیق و مشخص. دانش آموزی که

سنین پائین تری هستند راهگشا باشد، در مورد
برخی دیگر بخصوص از جانب نوجوانان به خاطر
شرایط ویژه سنی آنان، غالبا " با استقبال چندانی
مواجه نمی شود. این امر نباید اولیاء را مأیوس
کند، زیرا میزان مفید بودن راهنمایی، بستگی
به شدت استقبال نوجوان ندارد و حتی اگر او با
پیشنهادها به نحوی بی تفاوت برخورد کند به
احتمال زیاد آنها را بکار خواهد برد. مهم جلب
اعتماد و قبولاندن این نکته به اوست که
کوششهایش برای انجام تکالیف درسی مورد
تأیید است و او می تواند ضمن تکیه
بر تواناییها و استعدادهای خویش در صورت لزوم
از حمایت و راهنمایی اولیاء خود نیز برخوردار
باشد.



کودک یا نوجوان بتواند خود را در وضعیت استفاده از آن مطلب یا بکارگیری آن قرار دهد و کاربرد آن را برای زمان حال یا آینده خود و دیگران مجسم کند. دانش آموز باید بتواند باشناخت اجزای یک موضوع مثالهایی خارج از آن موضوع بیابد و به نسبت که بتواند مثالهای دورتری پیدا کند، مسأله را بهتر درک کرده و توانائی تعمیم در او رشد یافته است.

۲- درس حاضر کردن

کودکان معمولاً "درس حاضر کردن را به انجام دادن تمرین ترجیح می دهند، زیرا تصور می کنند کار آسانتری است. آنان اشتباه می کنند زیرا درس حاضر کردن وقت و انرژی بیشتری می طلبد. بچه ها معمولاً "یک یا دو بار از روی درسی که قرار است حاضر کنند، می خوانند. سپس اعلام می کنند که یاد گرفته اند و اجازه می خواهند که دنبال بازی یا انجام کارهای دیگری بروند. سؤال مناسب در این طور مواقع ایسـن

می خواهد درسی را مرور کند باید دقیقاً "بداند از آن درس چه می خواهد وجه نوع اطلاعاتی را لازم است از مجموعه مطالب استخراج کند. برای یادگیری باید برنامه داشت و با مطلب درسی برخوردی فعالانه نمود.

اگر مطلب مورد نظر درس فارسی یا یادگیری دیکته باشد می توان کودک را تشویق کرد که ابتدا زیر لغات مشکل یا جدید را خط بکشد و بعد با دقت آنها را مطالعه کند یا بنویسد. در درس جغرافیا کودک می تواند شکل و طرح آنچه را که مورد نظر است در کتابچه خود بکشد. برای درس ریاضیات بهتر است تمرینهای مشکل را انتخاب و دوباره آنها را حل کند. در درس تعلیمات اجتماعی یا علوم می توان مطلب را خلاصه کرد یا برای هر بند عنوان تازه ای گذاشت.

دانش آموزان کلاسهای پائین تر را می توان تشویق کرد که معلم بازی کنند و برای خواهر یا برادر کوچکتر خود درس را تعریف کنند. نکته مهم در یادگیری مطلب درسی این است که

است: "از کجا متوجه شدی که یاد گرفته‌ای؟" واقعیت این است که بیشتر بچه‌ها نمی‌دانند چه موقع می‌توانند بگویند درس را کاملا یاد گرفته‌اند و یادگیری واقعی چه وقت حاصل می‌شود. برای همین است که یکی از وظایف معلم این است که به آنان یاد بدهد چه وقت می‌توانند بفهمند که مطلبی را یاد گرفته‌اند، مثلا به بچه‌ها بگویند وقتی فلان نشانه‌ها و علائم را در خودت دیدی و یا فلان کار را توانستی انجام دهی معلوم می‌شود که مطلب را کاملا یاد گرفته‌ای.

بنابراین وقتی کودک یکی دوبار مطلب درسی را خواند باید با او بررسی کنیم و ببینیم چه علائمی نشان دهنده این است که او درس را یاد گرفته است. این علائم ممکن است بیان صحیح تعاریف درس باشد. مثلا "از او بپرسیم:

- آیا می‌توانی مثلث را تعریف کنی؟

یا برای این که بفهمیم یک مفهوم را چگونه از مفهوم دیگر تشخیص می‌دهد می‌توانیم پیشنهاد کنیم - دو جدول بکش و خصوصیات پستانداران و خزندگان را در آن منعکس کن.

علامت درک مطلب ممکن است کشیدن یک طرح، مثلا "طرح یک سلول گیاهی یا کشیدن نمودار باشد.

به همین ترتیب کاربرد یک دستورالعمل در موارد جدید، خلاصه کردن یک مطلب یا بیان آن با عبارات صحیح می‌تواند نشانه‌های از درک موضوع باشد.

علائم و نشانه‌های فوق معیاری برای ارزشیابی به کودک می‌دهد و او را متوجه می‌کند که ناچه حد درس را یاد گرفته‌است.

۳- حفظ کردن

حفظ کردن مطالب برخلاف آنچه برخی از اولیاء معتقدند کار بسیار مفیدی است، زیرا اگرما بسیاری از کارهای خود را بطور خودکار و باتکیه بر حافظه انجام نمی‌دادیم چگونه می‌توانستیم دائما "ذهنمان را به کار بگیریم؟ مسلما" باید وقت و انرژی فوق العاده‌ای صرف می‌کردیم، دانش آموز باید بتواند در طی تحصیل خود همان طور که مکانیسم‌های روانی - حرکتی را کسب کرد، مکانیسم‌های ذهنی خود را نیز پرورش دهد. کار اولیاء در این زمینه این است که این تلاش را برای وی آسان کنند. بدین نحو که به او کمک‌کنند مثلا "مطلب درسی مورد نظر را تجزیه کند، اجزای تشکیل دهنده آن را بشناسد، دوباره اجزاء را ترکیب کند و سپس آن را با کلمات خود بیان نماید.

بیان مجدد مطلب بسیار ضروری است و باعث می‌شود که فرمول یا مطلب درسی حالت ناآشنای خود را در نظر کودک از دست بدهد و به صورت آشنا درآید. امر مهم کوشش ذهنی در یادآوری مطلب است. در ضمن بیان مطلب، کودک می‌تواند نکات اصلی، تصاویر یا کلماتی را به یاد آورد که حافظه‌اش باتکیه به آنها موضوع را ضبط می‌کند و بتدریج در ذهن جامی اندازه.

راه‌هایی برای تسهیل یادآوری در کودک:

به کودک می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر نمود:

"این فرمول را بخوان، یکبار تکرار کن یا آن را بنویس، یکبار دیگر تکرار کن، حالا چشم‌پوشی را ببند یا کتاب را ببند و ببین چه چیز یسادت می‌آید؟

به کتاب نگاه کن و ببین تا چه حد فرمول را درست نوشته‌ای. اگر فرمول را اشتباه نوشته‌ای دوباره شروع کن. وقتی چند نکته را به یاد



۴- انجام تمرینات درسی

گاهی دانش آموز زمانی طولانی در مقابل تمرین درسی خود متوقف شده بدون این که بداند با آن دقیقاً "چه باید کرد". در این طور مواقع اصرار و پافشاری در این که او همچنان به کوشش خود ادامه دهد تا چیزی دستگیرش شود، فایده ای ندارد زیرا بندرت ممکن است با افزایش زمان مطلبی که تفهیم نشده، یاد گرفته شود.

کمک اولیاء در این گونه مواقع این است که در مرحله اول منشأ مشکل را بیابند و سپس از آن روش کار و ابزار مورد استفاده فرزند خود را بررسی کنند.

آوردی، سعی کن بقیه را با توجه به همین نکات به خاطر بیاوری. اگر این چند نکته برای یادآوری موضوع کافی نیست سعی کن چند نکته دیگر هم پیدا کنی". برای اینکه اطلاعات در ذهن جایگزین شود بهتر است یادآوری مطالب در زمانها و مکانهای مختلفی انجام گیرد. مثلاً "در حال راه رفتن، بهنگام لباس پوشیدن و غیره. یادآوری و جایگزینی مطالب در ذهن، منحصراً "در پشت میز کار صورت نمی گیرد.

تکرار مطالب حتی پس از یادگیری موضوع هم مفید است، زیرا برای یادآوری کامل تنها فهمیدن مطلب کافی نیست. بنابراین بهنگام حفظ کردن، تکرار مطالب باید به صورت پیوسته و در فواصل نزدیک انجام گیرد و ضمن یادآوری مطالب باید کوشش کرد مطالب قبلی نیز به خاطر آورده شود.

توصیه دیگر برای نوجوانان و حتی دانشجویان این است که یکی از راههای به یادآوری مطالب مفصل و پیچیده به هنگام امتحان، حفظ کردن فهرست مطالب و عناوین ریز درسهاست. در این صورت با مشاهده سوالات امتحانی انسان بلافاصله کلمات کلیدی را در ذهن خود مجسم می کند و مطالب مربوط به آن را به یاد می آورد. برای حفظ کردن دروس باید کوشش کرد تا سطح دقت و تمرکز بالا نگهداشته شود، بنابراین لازم است که زمان یادگیری به واحد های کوچکی تقسیم شود. به عنوان مثال پس از هر نیم ساعت درس خواندن کار را باید چند دقیقه متوقف کرد تا فرصت استراحت و تجدید قوا حاصل شود.

باید با مراجعه به دروس قبلی و تمریناتی که در آن زمینه انجام داده اطلاعات لازم را بدست آورد.

به همین ترتیب درکنار جزوه و کتاب درسی، لوازم ضروری مانند مداد، پرگار، خط‌کش و غیره کودک را در وضعیتی فعال در مقابل تمرینات خود آماده برای حل مسئله قرار می‌دهد.

اگر با توجه به لوازم و اطلاعات فوق باز هم کودک در حل تمرینات دچار مشکل است باید او را برای جستجوی اطلاعات بیشتر از کتاب، جزوه، همکلاسیها و در صورت لزوم معلم کلاس راهنمایی کرد.

۵- تهیه گزارش یا سخنرانی

گاه به کودکان و نوجوانان تکالیفی داده می‌شود که نیازمند تفکر، و نیز جمع‌آوری مدارک و اسناد می‌باشد. مثلا "تهیه یک گزارش یا ایراد سخنرانی. این نوع تکالیف را بچه‌ها به انواع دیگر ترجیح می‌دهند و معمولا "برای حسن انجام آن از خود مایه بسیار می‌گذارند. باید دانست که برای انجام یک کار مفصل و پیچیده باید زمانی نیز در نظر گرفت: زمانی برای تفکر و اندیشیدن به موضوع، زمانی برای انتخاب ایده‌های مناسب، به نظم درآوردن، شکل‌دادن و به کمال رساندن ایده‌ها و سپس زمانی دیگر برای بررسی و دوباره خوانی آنچه تهیه شده است با نگاهی جدید و به قصد انجام اصلاحات در آن.

متأسفانه بسیاری از کودکان این مراحل را در نظر نمی‌گیرند و سعی می‌کنند مراحل را دوتا یکی طی کنند و بنابراین کارها به نظرشان

درانجام تمرینات درسی بخصوص ریاضیات، امر مهم درک صورت مسئله است. ممکن است معانی برخی از لغاتی که در صورت مسئله بکار رفته است برای کودک نا آشنا باشد، یا حمله بندی مسئله به صورتی باشد که درک آن را دشوار جلوه دهد، بنابراین باید کودک را به خواندن دقیق مسئله تشویق کرد. گاهی پرسیدن سوالاتی به شرح زیر می‌تواند راهگشا باشد.

— مسئله مربوط به چیست؟
— از تو دقیقا چه می‌خواهند؟ آیا باید مقایسه کنی؟ خلاصه کنی؟ جدول بکشی؟ یا توضیح دهی؟

غالبا وقتی دانش آموز کوشش می‌کند مسئله را ناتمام بخواند، موضوع برایش روشن می‌شود زیرا معمولا "انتظاری که از او دارند در پایان مسئله مشخص شده است. پس از خواندن صورت مسئله تا به آخر باید به مراحل قبلی و سوالات میانی باز گردد. این سوالات از این پس در اطراف محور مرکزی یعنی سؤال اصلی مسئله روشنتر به نظر می‌آیند و فهم آنها آسانتر می‌شود.

جستجوی اطلاعات و مواد لازم:

بسیاری از مواقع وقتی کودک به خواندن صورت مسئله مشغول است متوجه می‌شویم که با بعضی از کلمات برایش روشن نیست و یا برخی از اصطلاحات ظاهرا "بی اهمیت مانند بنابراین، سپس، بالاخره، از طرفی و غیره به کلی معنی جمله را تغییر می‌دهد. لذا باید او را متوجه اهمیت این اصطلاحات کرد.

از طرفی ممکن است کودک برای حل مسئله نیازمند مرور مفاهیم یا مطالبی باشد که قبلا در کلاس خوانده، اما فعلا "از یاد برده است. او

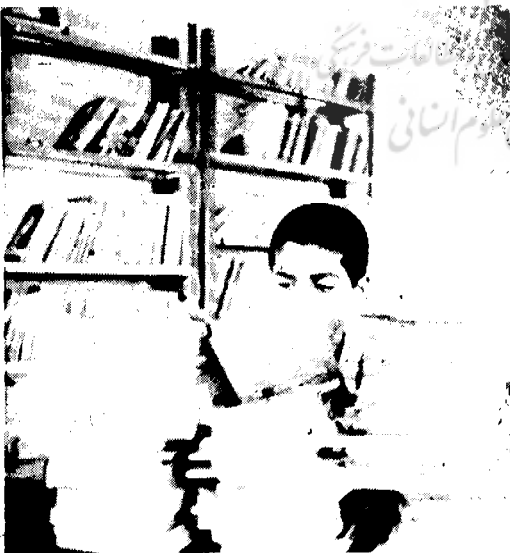
مشکل و پیچیده می آید .
 در این حالت باید به کودک کمک کرد تا کارش را برنامه ریزی کند و سازمان دهد .
 بنابراین آنچه گفته شد در تهیه گزارش باید به سه مرحله توجه کرد :
 - مرحله آماده کردن کار
 - مرحله انجام کار
 - مرحله بررسی کار با نظر انتقادی
 مرحله آماده کردن کار : این مرحله زمانی آغاز می شود که به موضوع مورد نظر فکر می کنیم و نگران انجام آن هستیم . بدین ترتیب ، در مورد یک مقاله ، یک مسأله ریاضی و یک گزارش جغرافیایی ، می توان در اتوبوس درحالی که به خانه می رویم ، به هنگام خرید یا حتی ضمن انجام کارهای خانه فکر کرد و ایده هایی جمع آوری نمود .
 در جمع آوری تدریجی افکار و اندیشه ها هر کس روش خاص خود را دارد . بعضی ها کتابچه کوچکی در جیب دارند و هر فکر جدیدی که به نظرشان رسید آن را یادداشت می کنند . شاگردی ممکن است در اطاقش ورقه ای نصب کند و هر روز در باره برنامه مورد نظر خود سطرهای بر آن بنویسد . کودک دیگری ممکن است روی ورقه های کوچک مطالبی یادداشت کند و آنها را جمع آوری نماید و به موقع مورد استفاده قرار دهد .
 آنچه مهم است این است که باید طرح یا چهارچوب مشخصی در ذهن داشت و اطلاعات را با توجه به آن طرح جمع آوری کرد .
 مرحله انجام کار : پس از جمع آوری اطلاعات لازم ، مواد را باید به کار گرفت . روش بکارگیری اطلاعات نیز براساس افراد متفاوت است .
 دانش آموزی ممکن است همه کاغذها را روی زمین یا روی میز پخش کند و سپس آنها را براساس



مرحله بررسی منتقدانه و تصحیح گزارش : معمولاً شاگردان پس از اتمام مراحل بالا یکبار

جلب اعتماد کودک، مسلماً در تخفیف ایسن اضطراب مؤثر واقع خواهد شد. برای کمک به وی در یادگیری و مرور درسها راههای مختلفی وجود دارد. به عنوان مثال می توان پیشنهاد کرد که به یادآوری فعالانه و نظامدار آنچه تا کنون آموخته است بپردازد، یا فهرست قسمتهای مهم درس را تهیه کند و این قسمتها را به صورتی عمیقتر از معمول مورد مطالعه قرار دهد. به همین ترتیب می توان به او پیشنهاد کرد که با توجه به فهرست تهیه شده اساسی ترین نکات را برای مطالعه مجدد انتخاب و به اصطلاح مطالب را الک کند. یادآوری فعالانه مطالب: همان طور که قبلاً اشاره شد مرور یک مطلب درسی کارساده ای نیست زیرا معمولاً این احساس به دانش آموز دست می دهد که ظاهراً "همه چیز را می داند ولی در عین حال نمی تواند بخوبی آن را بیان کند.

نکته مهم در مرور یک مطلب درسی کار دوباره روی آن است. یعنی باید با آن برخورد جدیدی



بسرعت و به طور سطحی مطلب را می خوانند و گاهی هم با پیدا کردن اشتباهات جزئی و تصحیح آن، کار را تمام شده تلقی می کنند، درحالی که بررسی مؤثر هنگامی میسر است که دانش آموز سعی کند مطلب را دیدی انتقادی بخواند یعنی وقتی بتواند به خود بگوید: "اگر من این مطلب را ننوشته بودم چه انتقادی می توانستم نسبت به آن داشته باشم؟" و یا "اگر موضوع برایم جالب نبود آیا باز هم ایسن طرز ارائه مطلب مرا جلب می کرد؟"

در این مرحله به دانش آموز باید کمک کرد تا خود را به جای خواننده بالقوه ای بگذارد که لازم است تاهید و توجه او جلب شود. او باید از خود بپرسد: "از کدام قسمت این گزارش یا سخنرانی ممکن است همگلاسیه‌هایم خسته شوند و یا برایشان مبهم باشد و من برای جلب توجه آنها چه کار باید بکنم؟"

۶- درس حاضر کردن برای امتحان. (دوره کردن)

نزدیک شدن امتحان برای بسیاری از کودکان اضطراب آوراست، اما در عین حال این زمان در آن عکس العمل های متفاوتی به وجود می آورد.

بعضی از بچه ها حالت بیقراری و کلافگی از خود نشان می دهند. بعضی دیگر برعکس ساکت و درمانده به نظر می رسند، لیکن از ترس این که مبادا اولیاء این حالت را به تمسخر بگیرند و یا بگویند: "این طرز درس خواندن نیست" و یا: "مگر تو امتحان نداری پس چرا بیگارشسته ای" با اولیاء خود درباره این اضطراب صحبت نمی کنند.

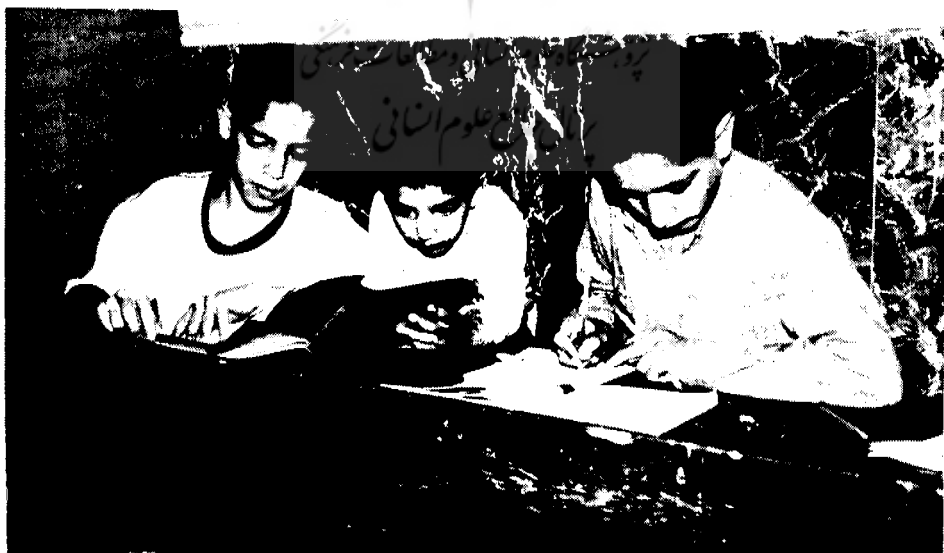
برخورد آرام، جملات اطمینان بخش و کوشش در

فهرست کردن بخشهای مشکل درسی

از شاگردان بندرت ممکن است امتحانی بگیرند که در مورد آن تکالیفی داده نشده و تمرینات لازم انجام نشده باشد. اگر شاگردان تمرینات و تکالیف خود را بطور منظم حفظ کرده باشند، بهنگام امتحان می توانند با مراجعه به بخشهای مشکل درس و تمریناتی که قبلاً در آن اشکال داشته اند، اصلاحاتی را که انجام گرفته است مورد توجه قرار دهند. سپس بابتن جزوه مجدداً هریک از تمرینها را حل کنند و ببینند تا چه حد در انجام آن موفق هستند. باید دانست که برای مرور فعالانه مطالب درسی هیچ چیز با ارزشتر از تمرینات درسی و ورقه های امتحانی نیست زیرا انسان می تواند اشتباهات گذشته خود را بررسی کند و مورد اصلاح قرار دهد. دانش آموز می تواند پس از انجام تمرینات سابق به ساختن تمریناتی در ارتباط با آن بپردازد که این امر در فهم کامل مطلب سه او

نمود و ترکیب تازه ای به آن داد.

مرور مطلب بیشتر به کاریک باستان شناس شباقت دارد تا عمل یک جهانگرد، زیرا باستان شناس دقیقاً مکانها و نقاط خاصی را مورد مطالعه و مشاهده قرار می دهد، در حالی که برای جهانگرد هر چیز ممکن است جالب باشد. مرور فعالانه درس به معنی انجام کار محدود روی معلومات گذشته است و لازمه آن فهرست کردن، طبقه بندی، مقایسه و شکل دوباره به مطلب دادن است. بنابراین در مرور فعالانه کتاب و جزوه درسی باید به یک کلید گزینشی مجهز بود. مثلاً دانش آموز می تواند برای خود فهرستی از تعاریف اصلی درس تهیه کند یا اصطلاحات فنی را در آورد، مجموعه برگه برای قضایای هندسه تهیه کند و به همین ترتیب. مهم این است که فعالیت جدیدی روی دروس انجام دهد. تهیه این نوع ابزار اگر عملی و جالب باشد می تواند دریافتگری مطالب درسی کمک مؤثری بنماید.



نزدیک شدن به زمان امتحان برای بسیاری از کودکان اضطراب آوراست ، واکنش اولیاء می- تواند اضطراب را در آنان تخفیف دهد و یابسه آن شدت بخشد .

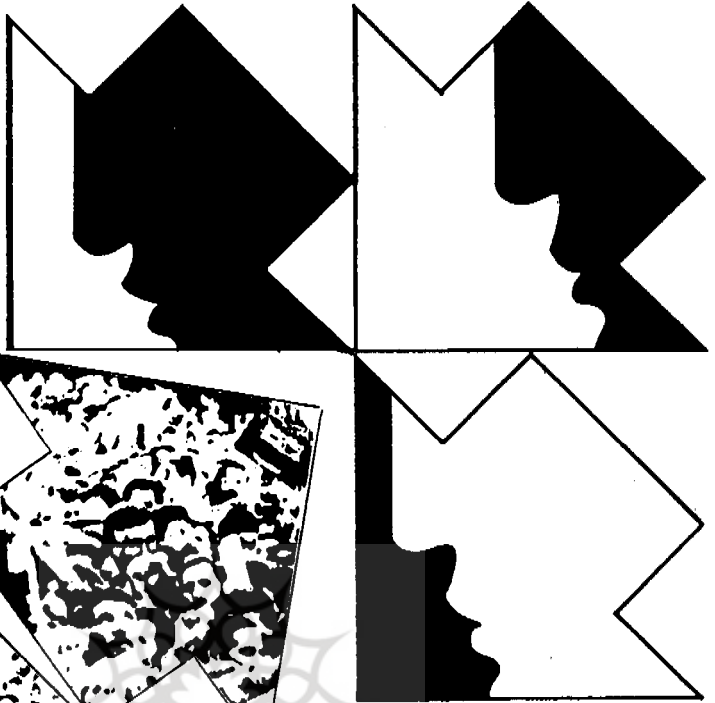
کمک خواهد کرد .
سؤال درآوردن ، یکی از راههای مؤثر در یادگیری مطالب درسی و استخراج سؤالات مشکل است . از کودک بپرسید :
" اگر قرار بود تو این درس را از شاگردی می - پرسیدی چه نوع سؤالاتی از او می کردی؟ حالا سعی کن سؤالات مشکل را درآوری و به آنها خودت جواب دهی ."
به همین ترتیب کودکان می توانند ضمن درس حاضر کردن با هم ، از یکدیگر سؤال کنند . این کار خستگی آنان را تخفیف خواهد داد . برای کودکان کلاسهای پائین تر که یادگیری از طریق بازی را دوست دارند می توان جعبه هایی مقوایی تهیه و به آنان کمک کرد تا تعدادی سؤال درسی درآورند و آنها را درجعبه بیندازند . سپس با قرعه کشی سؤالات را یک بیک بیرون آورند و به آنها پاسخ دهند .

اگر فرزند شما ترجیح می دهد تنها درس حاضر کند می تواند هرروز درباره مطلبی که در کلاس یاد گرفته است سؤالاتی تهیه کند و آنها را در یک جعبه یا درجعبه های کوچک مربوطه هر درس بیندازد و هرچند وقت بیکار قبل از این که زمان امتحان برسد آنها را بیرون آورد و حافظه خود را تازه کند .
نوجوانان می توانند علاوه بر استخراج سؤال ، کلمات کلیدی هم برای هر درس انتخاب کنند ، به نحوی که هرکلمه برای آنان یادآور مجموعه اطلاعات باشد .
تمهیدات و پیشنهادهای فوق را می توان برای هر کودک یا نوجوان با توجه به سن وی ، ماده درسی ، نوع امتحان و با در نظر گرفتن ساعاتی برای استراحت ، تفریح و بخصوص ورزش ، به کار برد .

منابع

- 1- ROMAINVILLE, M., MEMORISER FORMATION EN EDUCATION, NO. 21 FACULTES UNIVERSITAIRES NOTREDAME DE LA PAIX, NAMUR, 1988.
- 2- MEIRIEU-P., DE VOIRS, SYROS, 1987

زیر نظر دکتر افروز



مشاوران پیوند، پاسخ می‌دهند!

✱ تذکر مهم : برای این که مشاوران پیوند توفیق بیشتری داشته باشند تا به سوالات شما در زمینه مشکلات تربیتی و آموزشی پاسخ بدهند ، خواهشمند است مسائل مورد نظر خودتان را به صورت مختصر و درعین حال کاملا " روشن بنویسید . زمانی که در مورد فرزندان مسأله‌ای را مطرح می کنید ، حتما " مشخصات کامل وی را شرح دهید . ضمنا " لازم به یادآوری است که طرح مسائلی که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده ، عمومیت دارند ، در اولویت خواهد بود . بدیهی است پاسخهای ارائه شده هرگز نمی تواند کامل و جامع باشد ، لذا عنداللزوم باید در زمینه حل یک مسأله مطالعه و مشاوره بیشتری انجام شود .

خانم وفایی نهران :

مهرماه گذشته به خاطر این که یکسری از بچه های من ۱۵ روز از سن قانونی شروع مدرسه کم داشت ، مسوولین مدرسه و آموزش و پرورش منطقه از ثبت نام فرزندم برای کلاس اول خودداری کردند . حالا واقعا "نمی دانم چکار کنم . ضمنا" من وشوهرم قصد داریم شناسنامه بچه کوچکم را که حالا ۴ سال دارد و متولد ۱۲ آبان است تغییر دهیم تا اقلان" او مشکلی نداشته باشد . لطفا" در این مورد مارا راهنمایی کنید .

خواهر محترم

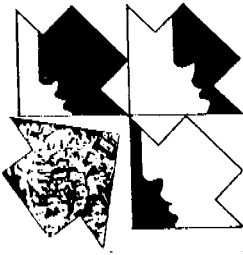
از این که در این مورد بسیار مهم برای ما نامه نوشتید بسیارمگزاریم . بسیاری از اولیاء با این مسأله مواجه بوده اند و خواهند بود . بزرگ کردن شناسنامه کودک اصلا" کار درستی نیست ، شناسنامه باید سن واقعی کودکان را نشان بدهد . رشد مطلوب کودک همانند رشد یک درخت پرشاخه و زیباست . کودک باید در جهات مختلف رشد وشکوفایی داشته باشد . اگر هم کودک شما از نظر رشد ذهنی و هوش فوق العاده برجسته باشد ، دلیلی ندارد که زودتر از سن معمول ، آموزش رسمی را در مدرسه شروع کند . تحقیقات انجام شده نشان می دهد که درصد قابل توجهی از کودکانی که زودتر از سن طبیعی (۶ سال تمام) به مدرسه رفته اند ، علی رغم برخوردارای از هوش بالاتر از حد متوسط در مقایسه با سایر کودکانی که به موقع مدرسه را شروع کرده اند ، در سالهای بعد بخصوص در اواخر دوره راهنمایی و سالهای متوسط اقلت تحصیلی بیشتری داشته اند . لذا بهتر است

کودک شما نیز همانند سایر کودکان در کانون گرم خانواده زمینه رشد مطلوب جسمانی ، حسی - حرکتی ، عاطفی وروانی واجتماعی رانیز هماهنگ با رشد ذهنی پیدا کند . مسلما" اگر کودک براساس سن طبیعی (قانونی) مدرسه را شروع کند در دراز مدت به نفع او خواهد بود . پیش افتادگی تحصیلی(زود شروع کردن مدرسه) وجهش تحصیلی (دوکلاس را در یک سال خواندن) همیشه برای همه کودکان اقدام مناسبی نیست . به قول پیامبر بزرگوار" ص " الولد سید سبع سنین ، وعید سبع سنین و وزیر سبع سنین ، فرزند در هفت سال اول سید و آفاست ، وجودش پراز انرژی و احساس و عواطف است ، در هفت سال دوم آموزش پذیرو تربیت پذیر است وآماده آموزشهای رسمی و مستقیم ، ودر هفت سال سوم مشاور و وزیر است و نیاز به ارتباط مشاورانه دارد . لذا کودکانی که زودتر از ۶ سال تمام وارد مدرسه می شوند ولو این که از نظر هوشی وآموختن مطالب درسی مشکلی نداشته باشند ، اما از نظر احساسی و نیازهای عاطفی ممکن است با مشکل مواجه شوند . برای ما و شما سلامت جسمانی وعاطفی و بهداشت روانی کودکان قطعا" مهمتر از صرف پیشرفت تحصیلی آنهاست .

خواهر ت . الله وردی :

من ۴ فرزند دارم ، چهارمین فرزند من با این که حدود ۴ سال سن دارد ، هنوز نمی تواند درست حرف بزند ، اصلا" حرفهایی که می زند برای اعضای خانواده و اطرفیان خیلی قابل درک نیست ، لطفا" مرا راهنمایی کنید که با این فرزندم چه کنم . سه تا بچه دیگر من مشکل

خاصی ندارند. ضمناً من وهمسرم هم ارتباط فامیلی و همخونی نداریم.



بودن دستگاه شنوایی کودک نیز اطمینان کامل حاصل نمایید.

ج - بعضی از اوقات علت اختلال گویایی کودک مربوط می شود به مشکلات عاطفی و روانی آنها. اگر سابقاً " کودک از چیزی یا کسی بی‌موقعیتی، بطور جدی ترسیده باشد، احتمال دارد مشکل گویایی متأثر از آن شرایط باشد. در هر حال لازم است وضعیت عاطفی و روانی کودک نیز بررسی شود.

د - اگر کودک شما از نظر دستگاه گویایی و شنوایی مشکلی نداشت و از نظر عاطفی و روانی هم برای شما روشن است که مسأله‌ای نداشته است و دچار لالی عاطفی و یا در خودماندگی (به گونه ای که کودک با هیچ کس ارتباط برقرار نکند) نباشد، باید شرایط ذهنی کودک مورد

بررسی جدی قرار گیرد. اگر تاء خیر کلامی کودک تواءم با تاء خیر حرکتی، عاطفی و اجتماعی باشد و به عبارت دیگر اگر کودک در همه زمینه های رشد نسبت به همسالانش تأخیر قابل توجهی داشته باشد، (مثلاً " دیرترینشند، دیرتر بایستند، دیرتر راه بروند و دیرتر ارتباط برقرار کند) احتمال دارد از نظر ذهنی دچار تاء خیر باشد. در این شرایط باید با روان شناس متخصص یا کارشناس محرب تربیتی حضورا" مشاوره نمایید. اجرای آزمونهای دقیق هوشی می تواند تا حدود زیادی در تشخیص وضعیت کودک مؤثر واقع گردد.

خواهر محترم

از این که سعی کرده اید اطلاعات نسبتاً خوبی در مورد اعضای خانواده و وضعیت گویایی فرزندتان برای ما بنویسید سپاسگزاریم. مشکل گویایی یکی از متداولترین اختلالات در کودکان، بخصوص کودکان پیش دبستانی است. سخن گفتن سلیس، روان و قابل فهم برای همگان مستلزم رشد ذهنی مطلوب و بهره منسدی از فعالیت‌های حواس مختلف و فراهم بودن محیط تربیتی مناسب و غنی است. به طور کلی انتظار می رود که کودکان بارشد طبیعی ذهنی در حدود یک سالگی اولین کلمات را به زبان آورده و در حدود دوسالگی بتوانند جملات مفهومی را بیان کنند. البته اگر مختصر تاء خیری در این زمینه رخ دهد چندان جای نگرانی نیست، اما تاء خیر قابل ملاحظه در بیان کلمات و جملات قابل بررسی است. در این شرایط لازم است به نکات زیر کاملاً توجه شود.

الف - شایسته است با مشاورت یک کارشناس گفتار درمانی و یا متخصص گوش و حلق و بینی از سلامت دستگاه گویایی کودکستان (زبان، زبان کوچک، لبها، دندانها، سقف دهان و...) اطمینان کامل پیدا کنید، زیرا در مواقعی به دلیل نقص دستگاه گویایی بچه ها در ادای کلمات بطور شمرده مشکل دارند.

ب - از آن جایی که شنیدن مهمترین نقش را در مهارت گویایی دارد، لازم است ابتدا میزان و چگونگی شنوایی فرزند شما مورد سنجش قرار گیرد. مشکل گویایی بعضی از کودکان به لحاظ ضعف شنوایی آنهاست. لذا باید از سالم

خوددرمانگری
در
لکنت زبان



نویسنده: ملکام فریزر
مترجم: دکتر غلامعلی افروز

نام کتاب: خوددرمانگری در لکنت زبان

نویسنده: ملکام فریزر

مترجم: دکتر غلامعلی افروز

کتاب فوق که تالیف آقای فریزر مدیر بنیاد آمریکایی تکلم است، با استفاده از تجارب شخصی، گفته‌ها، نوشته‌ها و تجارب افراد مختلف و بعضاً "بسیار متشخص که تعدادی از ایشان خود لکنت داشته‌اند، تحریر یافته است. وی در این کتاب سعی نموده تا روش درمانی مورد نظر خود را از طریق برنامه جامع خود درمانی ارائه نماید. تیراژ بسیار بالای این کتاب و تجدید چاپ مکرر آن نشانه اهمیت و قابل استفاده بودن کتاب برای افراد لکنتی است. مخاطب اصلی کتاب جوانان و بزرگسالانی هستند که دچار لکنت زبان می‌باشند و مایلند با بهره‌گیری از این روش، خود، درمانگر لکنت خویش باشند.

این کتاب توسط مؤلف به استاد ارجمند جناب آقای دکتر افروز، استاد دانشگاه تهران هدیه شده است و ایشان با سعه صدر، نثری روان و سلیس به ترجمه آن همت گماشته و خود نیز با بهره‌گیری از آندوخته‌هایشان بر محتوای کتاب افزوده‌اند. خواندن و بهره‌جستن از این کتاب را به مخاطبین آن توصیه می‌کنیم.

معرفی کتاب



نام کتاب: تعلیم و تربیت اسلامی

مؤلف: دکتر علی شریعتمداری

چاپ: نهضت زنان مسلمان

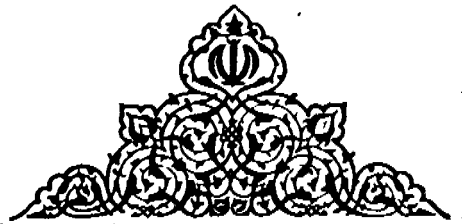
کتاب فوق حاصل کوششهای گرانقدر استاد علی شریعتمداری است که در آن به جامعه، تعلیم و تربیت و فرهنگ به معنای راههای زندگی نگریسته شده است. بررسی مبانی تربیتی اسلام، آموزش و ویژگیهای نظام تربیتی اسلام از اهم فصول این کتاب است که با زیربنای مباحث کلامی و فلسفی استوار، تدوین یافته است. کتاب حاضر راهگشای بسیاری از مسائل و پاسخگوی سوالات مربوط به تعلیم و تربیت اسلامی می‌باشد که مطالعه آن را به علاقه‌مندان مسائل تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌کنیم.

تعلیم و تربیت
اسلامی

انسان صادر می شود از مرکز صدور تا تحقق نهائی از مسیرهایی که عبور می کند — مورد هجوم وساوس شیطانی و نفسانی قرار می گیرد و مخلص سعی در خالص کردن آنها می کند و با چه زحماتی آنها را خالص و تصفیه می گرداند و از این رو عنوان مخلص به خود می گیرد .

ولی مخلص اسم مفعول است به معنی خالص گرداننده شده . مفهوم اینست که یک عامل غیبی در ذات و نفس عبد، عمل تصفیه را انجام داده است . در واقع منشاء صدور نیت و افعال و اعمال از هجوم وساوس شیطانی و نفسانی ناهمین شده است . مثل نهی که از سرچشمه زلال نشأت می گیرد و دیگر گل آلود نیست و محتاج به تصفیه نمی باشد و طبعاً " محصلول ذاتی خالص شده، غیر از نیت و اعمال خالص نمی تواند باشد . در قرآن کریم دو نوع هدایت مطرح شده است و دو نوع ضلالت . هدایت اولیه، هدایت ثانویه . هدایت ثانوی به دلیل اعطائی بودنش ماهیتاً " طوری است که اگر نصیب کسی بشود با قدرت تمام او را به صراط مستقیم راست می کند . این هدایت چنان حاذبه و قهاریت دارد که گوئی انسان را از آن امکان تخلف نیست .

هدایت اولیه ارائه طریق و نشان دادن راه است . هدایت ثانویه ایصال به مطلوب است ، یعنی گرفتن دست طالب و رساندن او به مطلوب . اما در این جا نباید یک چیز را فراموش کرد و آن این که این هدایت فقط هدیه به کسانی است که هدایت اولیه را با دسترنج خود به دست آورده و آن راه را طی کرده اند . (آنچه از احکام در امکان آنهاست عمل کرده اند) باید دانست که هدایت ثانویه همیشه بر زمینه های اولیه نزول می یابد و این هدایت اولیه



ابوالفضل بهرام پور

مفردات اعماد

درس هفتم

مخلص و مخلص

در درس پیش در باره اخلاص و نقش آن در عمل احسن صحبت شد . اینک باید دید مخلص و مخلص چه فرقی با هم دارند؟ در فرق این دو اصطلاح قرآنی دو گونه بررسی می توان ارائه داد :

نظریه اول : مخلص اسم فاعل است بمعنی خالص کننده . مفهوم این سخن که می گوئیم خالص کننده ، اینست که لابد شائبه اختلاط و آمیختگی به زواید وجود دارد ، یک چیزهایی هست که باید از عمل و نیت انسان تصفیه شود و مخلص خالص کننده و جداکننده ناسره ها و مخلوط ها از فعل و نیت است . اعمالی کسماز

عبارتست از حرکت عبد به سوی خدا با انتخاب و اختیار خود بر مبنای دعوت قرآن و پیامبر گرامی و مواعظ وارثان او. عبد می شود منادی خدا و خدا دعوت به ایمان می کند لذا با پای اشتیاق به سوی آن می شناید و رنج راه ایمان را به جان می خورد. رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا اِی خدا ما شنیدیم منادی ندا می دهد به پروردگارتان ایمان آرید، ما نیز ایمان آوردیم، پس بر ما بیخشاویا نیکان بمیران (آل عمران ۱۹۳). در عرف زندگی این مسأله معمول است، مثلاً "برای ساختن مسکن باید مالک مقداری از بنا را (لااقل چهل درصد آن را) با سرمایه خود بسازد تا به او شصت درصد وام تعلق گیرد، بنابراین وام بر زمینه کور داده نمی شود. لذا هدایت ثانویه بر زمینه هدایت اولیه عارض می شود. حرکت اولیه از مهندی و سرعت بخشیدن از همدادی است. فاعل هدایت اولیه خود مهندی است و فاعل ثانویه خداوند! و مهندی گیرنده این هدیه به عنوان پاداش هدایت پذیری اوست. مخفی نماند هدایت اولیه که ما فاعل آنیم یک نصاب معینی دارد تا موجب نزول هدایت ثانویه بشود و ما آن را نمی دانیم، تنها خدا عالم است. وقتی فداکاری، اخلاص و مداومت مانسبت به مقتضای ایمان در همه شرایط زندگی در سراء و ضراء، در خلوت و جلوت به اثبات رسید هدایت های غیبی به سوی انسان می آید و آن متفاوت است به تفاوت درجات ثابت قدمی و اخلاص و ایثار عبد. این نوع هدایت درحوزه انحصار حضرت حق تعالی است، حتی از حیطه فعالیت های پیامبر گرامی هم سلب شده است و پیامبر تنها مأمور ارائه طریق و ابلاغ رسالت است إِنَّكَ لَاتَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ

يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ همانا تو نمی توانی هر که را دوست داشتهی هدایت کنی و این خداست که هر کس را بخواهد هدایت می کند و ذیل آیه فرموده است: وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ و او آگاه است به ذات هدایت خواهان (قصص ۵۶). لفظ هدایتی که در آیه شریفه ذکر گردیده و از پیامبر اسلام ص سلب و به خدا منتسب شده است با این که اصولاً "شغل پیامبر هدایت امت است همانا هدایت ثانویه است که خاص خداوند است و آن هدایتی که در حیطه رسالت نبی اکرم ص است هدایت تبلیغی و اولیه است. اینسک برمی گردیم به اصل مسأله فرق مخلص و مخلص:

مخلص یعنی این که شخص تا آن جا که توانسته در تمام کارها شرایط اخلاص را رعایت کرده، خلوص را در همه امورش مراعات می کند، پس مخلص است و فاعل اخلاص، خود اوست. در واقع این اخلاص اولیه است مانند هدایت اولیه.

مخلص یعنی شخص وقتی در اخلاص به مقام ملکه ثابت در نفس نائل شد به یک مرز و نصابی از اخلاص می رسد که تصرف الهی به سراغش می آید و نوعی خلوص آسمانی و اعطائی در اوست. دمد و وی را با امداد غیبی و هدایت ثانویه خالص می گرداند. توجه کنید که مخلص اسم فاعل است یعنی کسی که پدید آورنده اخلاص در وجود خود است. پس اخلاص محصول تلاش عبداست. مخلص اسم مفعول است به معنی خالص گردانده شده و این اخلاص محصول لطف خدا و اعطای اوست. از این رو است که ابلیس در چنین انسان خالص گردانده شده ای که دست خدا در تکوین و تکمیل اخلاص او در کار بوده، سلطه و دخل و تصرفی ندارد و خود او گفته

رهائی از زندان طبیعت و درونم مرحمت فرما .
 در میان بنی اسرائیل عابدی بود . وی را گفتند
 فلان جا درختی است وقومی آن را می پرستند .
 خشناک شد و برخاست و تبر بردوش نهاد تا
 آن درخت را بیفکند . ابلیس در صورت پیروی
 در راه مجسم شد وگفت برگرد به عبادت خود
 مشغول باش . گفت نه ! بریدن درخت اولی
 است . میآجره بالا گرفت ، درگیر شدند . عابد
 ابلیس را بر زمین کوفت و برسینه اش نشست .
 ابلیس گفت دست بدار تا یک سخن بگویم . تو
 پیامبر نیستی و براین کار ، خدایم مورت نکرده ،
 به خانه برگرد تا هرروز دو دینار زبر بالش تو
 نهم ، بایکی معاش کن و دیگری را انفاق . و این
 بهتر و صوابتر از کندن آن درخت است . عابد
 گفت راست می گوید یکی از آن ، به صدقه دهم
 وبکی به کار برم و برگشت . دیگر روز بامداد دو
 دینار دید برگرفت ، روز دوم دو دینار دید بسر
 گرفت ، روز سوم هیچ ندید خشمگین شد و تبر
 برگرفت . باز در همان نقطه ابلیس پیش آمد و
 گفت کجا ؟ گفت آن درخت بکنم . گفت دروغ
 است به خدا هرگز نتوانی کند . در جنگ آمدند ،
 عابد را بیفکند ، چنان که در دست وی چون
 گنجشکی . عابد گفت دست بدار تا برگردم لکن
 بگو چرا باراول من پیروز آدمم و اینک در جنگ
 تو شدم ؟ ابلیس گفت آن وقت تو برای خدا
 خشمگین بودی و خدا مرا مسخر تو کرد که هرکه
 کار برای خدا کند ما را بر او دست نبود ، ولی این
 بار برای دینار و درهم خشمگین شدی پس
 مغلوب من شدی (کیمیای سعادت ۷۵۷) .
 آری عملی که آلوده به مجاری نفع و ضرر مادی
 شد انسان در شکارگاه شیطان قرار می گیرد ،
 اما در عالم فوق طبیعت ، درعالم عشق وحب
 خداوند انسان از تیر رس شیاطین درامان

است من بر همه تسلط دارم جز بر این دسته
 إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (ححره ۴۰) .
 چرا شیطان از اضلال مخلصین دست شسته و
 ناامید است ؟ برای این که مخلص از جو جاذبه
 شیطانی و دنیائی فارغ گشته ، تحت جواذب
 دیگری سیر می کند ، این مثال شاید برای
 تقریب به ذهن مناسب باشد :

درضا پیمایی که می خواهد به فضا فرستاده
 شود ، چندین موتور درجهت تحتانی آن با فشار
 تمام و انرژی کثیری که نزدیک است منفجر شود
 به خود فشار می آورد تا از حاکمیت زمین خود را
 برهاند . فضاپیما مدتی این عمل را ادامه می دهد تا
 این که تمام سرمایه خود را هزینه می کند و خود
 را به خارج جو می رساند که دیگر در آن جا
 احتیاجی به مصرف نیرو ندارد و تحت قوانین
 دیگری به حرکت خود ادامه می دهد ، نه به
 نیروی موتور احتیاج دارد و نه جواذب زمینی
 به آن دسترسی دارد .

همین طور است وضع انسان مخلص . انسان
 وقتی با تمام تلاشهای اخلاصی خود توانست
 خویشتن را از سکوی طبیعت و چنگال غرایز
 برکند مدتی باید صرف نیرو کند تا خود را به
 مرزی مطلوب برساند ، آن موقع است که جواذب
 آسمانی او را به طرف خود جذب می کنند و
 آدمی را از دسترس کششهای حیوانی و شیطانی
 رها می سازند . معصوم کسی است که واقعا " در
 مدار و حوزه لطف الهی قرار گرفته ، با آن نیروها
 سیر می کند و شیطان در این زمین و طبیعت
 باقی مانده و دست به گریبان با آنهاست که در
 تاریخ کتب مادی و نفسانیات دست و پامی—
 زنند . در مناجات شعبانیه می خوانیم : اَللّٰهِي
 هَبْ لِيْ كَمَالَ الْاِنْقِطَاعِ اِلَيْكَ خَدَايَا بِهٖ مِنْ يَّك
 انقطاع و بریدگی کامل از هر آنچه غیرتوست ،

(نمل ۱۹)

تعبیر دوم : یعنی اصولاً " وجود ، وجود صالحی است و عمل صالح تراوش آن است ! می بینید یک کسی خود را به انجام صالحات واداری کند و به هر صورت خود را با اوامر الهی تطبیق می دهد ، این می شود شخصی که عامل صالحات است و یک کسی هم هست که ذاتش به صالح تبدیل شده و ساختار نفسی او به گونه ای شده است که منشاء صدور صالحات گردیده است . و به چنین آدمی عبد صالح اطلاق می شود و معلوم است که صالح فوق عامل صالحات است . بنابراین وقتی می گوئیم مخلص ناظر به اعمال شخص هستیم و چون می گوئیم مخلص ناظر به نفس شخص و منشاء صدور صالحاتیم یعنی شخص خودش تصفیه و خالص گردیده است و طبعاً " از کوزه همان تراود که در اوست . و کسی که همیشه در حال مراقبت نفس بوده ، خداوند به او انگیزش صالحات عطا می کند . شخص احساس می کند که تمایلاتش به سوی صالحات و دفع مکروهات سوق داده می شود و بتدریج به مخلص تبدیلش می کند ، یعنی در ذات او این تحول حاصل می گردد (المیزان ج ۱۸ ص ۲۱۹) . ما وقتی به سخنان معصومین و معارف مندرج در دعاها و مناجات آنان توجه می کنیم در می یابیم که آن جا چیزی بالاتر از این مطرح است در آن جا از خدای متعال مقام بلند پایگان مخلص درخواست شده است : بارالها ما را از کسانی قرار بده که به محبت خویش مخصوصشان کرده ، به ملاقات خود شائقشان نموده ای ، زیارت جمالت را نصیبشان ساخته ، به معرفت ذات گرامی شان کرده ای ، اهلیت بندگی شان عطا فرموده ای (در این مناجات توجه کنید به صیغه افعالی که به خداوند خطاب شده است

است . پس باید گفت مخلص شدن بی دخالت الطاف غیبی تحقق نمی پذیرد . در واقع ملکه اخلاص عبد مخلص یک فاعل دارد که عبارت از خود عبداست ، لکن ملکه اخلاص مخلص دو فاعل دارد عبد و خدای عبد !

جمع بندی : پس فرق مخلص و مخلص در این نظریه عبارت از این شد که مخلص از هدایت ثانویه و تصرف اصلاح گرانه خدا در نفس برخوردار شده است .
نظریه دوم :

اگر انسان با توبه و انابه مراقب خود بوده ، به خداوند تسلیم شود ، خدا در او انگیزش عمل صالح ایجاد می کند و او را به عبد مخلص مبدل می سازد قَالَ رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ خدایا بر من نصیب کن که بجای آرم سپاس نعمتی را که به من و والدینم ارزانی داشته ای و نیز عمل صالحی انجام دهم که راضی هستی (نمل ۱۹) ایزاع - اوزعنی - به معنی الهام و ایجاد عشق است . این جا منظور الهام علمی نیست ، مراد الهام عملی و انگیزشی است یعنی شخصی به انجام صالحات کشانده می شود . عمل صالح آن عملی است که صلاحیت شان خدا را پیدا کرده و صلاحیت هر عملی خلوص آنست . خدا در ذیل همین آیه فرموده است دعای بنده رامبنی بر توفیق شکر و عمل صالح می پذیریم **أُولَئِكَ الَّذِينَ نَقَبِلُ عَنْهُمْ** (المیزان ج ۱۸ ص ۲۱۸)

در قرآن کریم دونوع تعبیر آمده است **الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ** یعنی کسانی که ایمان آوردند و صالحات را انجام دادند .
ب : **فِي عِبَادِكِ الصَّالِحِينَ** بندگان صالح نو

امدادها ، الهامات و هدایت‌های غیبی به نفع انسان به حرکت در می آیند. انسان فرقانسی پیدا می کند که خواسته‌های محبوب را می شناسد و تبعیت می کند، ابتکاراتی در عمل احسن به دست می آورد که به ذهن کسی خطور نمی کند. البته نباید هم خطور کند چون فرض اینست که خداوند است که به او می نماید چه بکند. پیامبران ، ائمه و اولیاء، صاحبان این مقام هستند. شما تشخیص و فرقان و ادب رسول‌الله را که خارج از حوزه وحی دارا بودند بنگرید و ببینید چگونه به ابعاد حسن عمل می نگردتسا کمیت آن ! درسوره مزمل فرمود ای رسول الله ص شب را به پاخیز ، نصف آن را یا یک ثلث و ویا دوثلث آن را قرآن و نماز بخوان . بعد از چندی (۶ ماه ، ۸ ماه و ده سال ، میزان ج ۲۰ ص ۱۵۲) دنباله آیه نازل شد که ای محمد ! ص پروردگارت می بیند که تو نزدیک دوثلث و نصف و یک ثلث شب راقیام می کنی و به همراه تو گروهی از مؤمنین . با توجه به صدر سوره پیامبر گرامی بر یکی از سه زمان - نصف - دوثلث - و یک ثلث مخیر بوده است ، به دلیل حرف او که برای تخییر است . خوب در این گونه موارد معمولا " باید گفت احسن عمل آنست که پیامبر اکرم حداکثر را به جا آورد مثلا " دوثلث شب را قیام کند . در حالی که می بینیم خداوند خبر می دهد که ای محمد ! (ص) ما می دانیم توهر سه صورت مسأله را انجام می دهی ، یعنی دوثلث و نصف و ثلث راقیام می کنی و عبارت آیه با حرف واو که برای جمع است آورده شده است (رَأَتِكَ تَقُومُ أَذْنِي مِنْ ثُلثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ) به نظرمی رسد که رسول خدا با آن درایت نبوی که داشت نهایت ادب را باعمل کردن به هر سه صورت تخییر رعایت کرده است

یعنی عرض می کند خدایا این تویی که دست ربوبیت در ذات آنها فرو برده و آن طورکه می خواهی می سازی شان (قلوبشان را تشنه ارادت ساخته، برای مشاهده حضرتت آنسان را برگزیده و فرا خوانده ای ، خدایا تو آنها را منحصرأ " متوجه خویشت فرموده، دلشان را تجلیگاه محبت خود ساخته و به آنچه مسورد رضای تو است راغبشان گردانیده ای و ذکر خود الهامشان نموده، شناگوی خود کرده ای! آنان که تو آنها را از بندگان صالحت قرار داده و بسه مناجات خویش برگزیده ای و هر آنچه رابطه آنان را از تو قطع می کند از ایشان بریده ای ، هرچه محبت غیر توست از دلشان بیرون ریخته و حب خود به جای آن نشانده ای. مضمون این مناجات آرزوی مقام کسی است که خود را بسه مرزی رسانده که خدا این چنین دست به کار نوسازی وجودش شده و او را به آغوش محبت گشانده است. (مفاتیح مناجات محبین) تذکر: درقرآن کریم گاهی می بینیم به کسانی که مخلصین هستند (مثل انبیا) مخلص اطلاق شده است، این جا باید دانست که آیه ناظرسر به اینست که او دائما " در حال مجاهدت برای کسب رضوان الله است . در واقع این نوع آیات به جنبه فعالیت عملی مخلص می نگردد انا أنزلنا إليك الكتاب بالحق فأعبد الله مخلصا " له الدین : ما این کتاب را به حق برتو نازل کردیم، پس او را با اخلاص پرستش کن. (زمر ۲)

نتیجه بحث

انسان وقتی دروادی مجاهدت اخلاص افتاد

اصابت کند و این نهایت رعایت ظریف تاء دب با خداوند است. (فتاوی مل والله اعلم)
تا این جا درباره سه مرحله از چهار مرحله ای که ما را به انجام اعمال احسن می کشاند سخن گفتیم که عبارت بود از شناخت ماهیت اعمال، انتخاب احسن اعمال و اخلاص. مرحله چهارم در درس آینده مطرح خواهد شد.



و اتفاقاً احسن عمل با این روش حاصل می آید، چون اگر پیامبر فقط دوثلث را با ایسن که بیشترین زمان است عمل می کرده در ایسن صورت به یکی از امریه های سه گانه الهی عمل کرده بود و دو امریه دیگر حضرت حق تعالی بی پاسخ می ماند! پس آنچه مهم واحسن است رعایت ادب است بالبیك گفتن به امرمولى. به هر حال مولى فرموده دوثلث را بخوان، یا نصف را بخوان و یا يك ثلث را بخوان! گر چه این جا مقام تخییر است ولی در هر يك امسر مولوی بكار رفته است و نباید هیچ کدام از امرها بی پاسخ بماند و می بایست امر مولى به هدف

بقیه از صفحه ۲۷

منابع :

- ۱۶- اصول کافی، ج ۲، ص ۷۲۱.
۱۷- سوره صف آیه ۲ و ۳.
۱۸- نهج البلاغه عبده، ج ۳، ص ۱۶۶، حکمت ۷۳.
۱۹- نهج البلاغه، نامه ۴۵.
۲۰- وَ لِكَيْ اللَّهُ يُحِبَّ عَبْدَهُ إِذْ أَعْمَلَ عَمَلَهُ أَتَى حَكْمَتَهُ (وسائل، ج ۲، ص ۸۸۴) و بعد از دفن فرزندش ابراهیم و تسویه خاک قبر وی فرمود: «إِذْ أَعْمَلَ أَحَدَكُمْ عَمَلًا فَلْيَتَّقِنِ» (وسائل، ج ۲، ص ۸۸۳)
۲۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.
۲۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹.
۲۳- نهج البلاغه، نامه ۴۵.
۲۴- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۲۵- أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالصَّحَّةُ لَكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كِتَابًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كِتَابًا تَعْلَمُوا وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَقْفَاءُ بِأُتَيْبَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الشَّهَادَةِ وَ التَّعْيِيبِ وَ الإِجَابَةُ بَيْنَ الدُّعْوَى وَ الطَّاعَةُ بَيْنَ أَمْرِكُمْ (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).
۲۶- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الَّذِي النَّصِيحَةُ قَبْلَ: لِمَنْ يَأْتِيهِ اللَّهُ؟ قَالَ: لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِأُتَيْبَةِ وَ لِجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ. (الاموال ابى عبید القاسم السلام، ص ۱۰).
۲۷- سَأَلَ أَبُو حَمْرَةَ عَنِ الْإِمَامِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَدِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا حَقُّ الْإِمَامِ عَلَى النَّاسِ؟ قَالَ: حَقُّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَسْمَعُوا لَهُ وَ يُطِيعُوا قَوْلَهُ: فَمَا حَقُّهُمْ عَلَيْهِ؟ قَالَ: يُعْشَمُ بِشَهْمٍ بِالسُّوْبَةِ وَ يُعَدُّ فِي الرَّعْبَةِ كَافِي، ج ۱، ص ۴۰.
۲۸- وَ لَا تَغْتَابُوا وَ لَا تَنْكُرُوا وَ لَا تَغْتَابُوا هُدَايَكُمْ وَ لَا تَنْهَلُوا أَيْمَنَكُمْ وَ لَا تَضَعُوا عُنُقَ فَيْلِكُمْ فَتَقْتُلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ عَلَيَّ هَذَا فَلْيَكُنْ تَأْسِيسُ أُمُورِكُمْ وَ الزُّمُورُ هَذِهِ الظَّرِيفَةُ (كافی، ج ۱، ص ۴۰۵).